

بررسی تدابیر عدم افشای هویت شاهد و حقوق دفاعی متهم از منظر قوانین جزایی ایران، افغانستان و اسناد بین الملل

نایب‌علی اختری^۱

چکیده

«شاهد» یکی از کنشگران اصلی نظام دادرسی کیفری به شمار می‌رود و نقش برجسته‌ای در سرنوشت دعاوی کیفری دارد. مشارکت و حضور شاهد در فرایند کیفری بهترین فرصت را برای گروه‌های بزهکار فراهم می‌نماید که با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی، مانع ارائه اظهاراتش شوند یا در مقام انتقام از وی برآیند. از این رو در سیاستگذاری‌های کیفری، در مواقعی که بیم خطر برای شاهد وجود دارد، تلاش می‌شود تدابیر و اقدامات مختلفی در جهت ایجاد بستر مناسب برای حضور و مشارکت شاهد در فرایند دادرسی کیفری اتخاذ شود. اتخاذ این تدابیر ممکن است گامی در جهت نقض حقوق دفاعی متهم تلقی شود. این نوشتار با رویکرد توصیفی، تحلیلی به بررسی تدابیر و اقدامات اتخاذ شده در جهت عدم افشای هویت شهود و حقوق دفاعی متهم در قانون ایران، افغانستان و اسناد بین‌الملل پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قانونگذاران به دنبال حفظ تعادل و توازن میان حقوق حمایت از شاهد و حقوق دفاعی متهم و تضمین برابری سلاح هستند، زیرا از یک سو بر تدابیر و اقدامات دادرسی غیر علنی، عدم مواجهه شاهد با متهم، ادای شهادت با استفاده از کد و نام مستعار برای شاهد و جرم‌نگاری افشای هویت شاهد در جهت ایجاد بستر مناسب برای حضور و مشارکت شاهد در فرایند کیفری و جلوگیری از آسیب و صدمه به شاهد تأکید دارند و از سوی دیگر، تصریح دارند اقدامات و تدابیر اتخاذ شده باید به نحوی صورت پذیرد که لطمه‌ای به حقوق دفاعی متهم وارد نسازد. برای نیل به این مقصود، متهم می‌تواند از طریق واسطه‌ای مثل قاضی، وکیل مدافع یا از طریق وسایل ارتباطی مانند ویدئوکنفرانس از مفاد اظهارات شاهد مطلع شده و به طرح سؤالات بپردازد و مقام قضایی نیز ملزم است در جهت احراز شرایط قانونی لازم برای شاهد تحقیقات کاملی را انجام دهد.

کلید واژه‌ها: افشای هویت شاهد، دادرسی غیرعلنی، حقوق دفاعی متهم، حق جرح

شاهد.

مقدمه

«شاهد» یکی از کنشگران اصلی نظام دادرسی کیفری به شمار می‌رود و نقش برجسته‌ای در سرنوشت دعاوی کیفری بر عهده دارد. اهمیت نقش و مشارکت شاهد در فرآیند دادرسی کیفری به حوزه دلیل بر می‌گردد، زیرا یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که در نظام‌های قضایی از آن فراوان استفاده می‌شود، تحصیل شهادت شهود است. بنابراین، شهود با مشارکت خود در فرآیند کیفری به مثابه چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری قلمداد می‌شود. مشارکت و حضور شاهد در فرآیند کیفری بهترین فرصت را برای گروه‌های بزهکار فراهم می‌نماید که با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی، مانع ارائه اظهاراتش شوند یا با آسیب رساندن به تمامیت جسمانی او، در مقام انتقام از وی برآیند. از این‌رو در سیاستگذاری‌های کیفری، تلاش می‌شود در مواقعی که بیم منصرف کردن از ارائه شهادت یا خطر برای وی وجود دارد، اقدامات لازم و مناسب در جهت مخفی ماندن هویت شهود به عمل آید تا شهود بتواند بدون هیچ‌گونه دغدغه و یا ترسی در نظام عدالت کیفری مشارکت نمایند.

عدم افشای هویت شهود، در جهت ایجاد بستر مناسب برای حضور و مشارکت شهود در فرآیند کیفری و جلوگیری از آسیب رساندن و صدمه به آنان مورد توجه سیاستگذاری کیفری بسیاری از کشورها و اسناد بین‌الملل در این زمینه قرار گرفته و تلاش شده است که بر اساس شرایط و مقتضایات خود، تدابیر و اقداماتی در قوانین شکلی و گاهی در قوانین ماهوی اتخاذ نمایند. با وجود این، اتخاذ این تدابیر چالشی در برابر حقوق دفاعی متهم ایجاد می‌نماید. در مواردی ممکن است حتی منجر به خروج دادرسی از حالت عادلانه و منصفانه گردد.

این نوشتار با رویکرد توصیفی، تحلیلی به بررسی اقدامات و تدابیر اتخاذ شده در جهت عدم افشای هویت شهود و تعارض آن با حقوق دفاعی متهم در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین‌الملل می‌پردازد.

۱. مفهوم شناسی

أ) «شاهد»

«شاهد» در لغت به معنی گواه‌دادن و بیان آنچه دیده یا شنیده، آمده است و در اصطلاح شخصی غیر از طرفین دعوی که از وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی اخبار می‌دهد. بنابر این شهادت شاهد با اقرار که اخبار یکی از طرفین به زبان خود است و نیز کارشناسی که ناشی از دخالت فن، شخص واستنباط در بیان آنچه دیده و شنیده است و همچنین با ادعا که اظهار شخصی به سود خود می‌باشد، متفاوت است. (مختاری، ۱۳۹۲: ۲۷۰)

در قانون اجرائات جزایی افغانستان و اسناد بین‌الملل، شاهد به همان مفهوم عام لغوی به کار رفته است. یعنی آنچه را شخص در خصوص قضیه مورد بحث با دیدن یا شنیدن درک نموده است، در پیشگاه محکمه با صلاحیت با ادای سوگند یا بدون آن اظهار و بیان نماید. (قانون اجرائات جزایی افغانستان، بند ۳۰ ماده ۴)

بر این اساس شاهد اختصاص به غیر بزه‌دیده ندارد، بلکه قربانی و بزه‌دیده که ما جرا را در جرایم ارتكابی جمعی و گسترده درک نموده ممکن است به عنوان شاهد در جریان محکمه به ادای شهادت بپردازد.

ب) مفهوم افشای هویت شاهد

«هویت» از نظر لغوی به معنی صفت و آنچه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود به کار رفته است. (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۷۷) در اصطلاح عبارت است از مجموع خصوصیات و مشخصات متعلق به یک گروه یا فرد که آن گروه و فرد را از سایر گروه‌ها و افراد متمایز می‌سازد. (طائی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

افشای هویت شاهد یعنی افشای اطلاعات مربوط به هویت شاهد که موجب شناسایی شاهد یا خانواده وی می‌گردد، اعم از مشخصات شخصی، مشخصات خانوادگی، محل سکونت، اشتغال یا نوع فعالیت یا هر امر دیگری که زمینه را برای گروه‌های بزه‌کار فراهم می‌نماید که با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی، مانع ارائه اظهاراتش شوند یا در مقام انتقام از وی برآیند. (آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعین، ماده ۹)

۲. تدابیر عدم افشای هویت شاهد

در حقوق اسلام بر ضرورت ادای شهادت تأکید شده است و آیات و روایات متعددی در مورد ضرورت ادای شهادت وارده شده است. (بقره: آیه ۲۸۳) همچنین از سوی دیگر در خصوص مراقبت از ضرر رسیدن به شهود نیز سفارش شده است. در آیه ۲۸۲ سوره بقره خداوند فرموده است: «نباید به کاتب و شاهد زبانی وارد آید». بنابراین در مقام جمع این دو مهم و عمل به هر دو، باید به گونه‌ای عمل کرد که از یک سو ادای شهادت صورت پذیرد و از سوی دیگر ضرری متوجه شاهد نگردد. (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۲۵۵)

از نظر حقوقی نیز هنگامی که شاهد در خود احساس وظیفه اخلاقی و اجتماعی نموده و در راستای حفظ نظم جامعه و تحقق عدالت، پا پیش گذاشته و سیستم عدالت کیفری را همراهی و مساعدت می‌نماید، دفاع از جسم، جان، آبرو و مال ایشان بایستی یکی از دغدغه‌های عمده نظام عدالت کیفری باشد.

بر همین اساس در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) ایران بر رعایت و تضمین حقوق شاهد به عنوان یکی از اشخاص درگیر در فرایند دادرسی کیفری تأکید گردیده است. طبق بند «ب» ماده ۲۱۴ این قانون، در صورت تشخیص مقام قضایی مبنی بر بیم خطر جانی، مالی حیثیتی بر شاهد، اتخاذ تصمیم به عدم افشای اطلاعات شهود می‌نماید.

حمایت از امنیت شهود می‌طلبد تا این تصمیم مطلق بوده و اطلاعات مزبور برای هیچ شخصی اعم از شاکی یا متهم یا وکیل آن‌ها یا سایر افراد قابل دسترسی نباشد. قانونگذار ایران در ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان را از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت شهود و مطلعان، جز در موارد قانونی، ممنوع کرده است و در ماده ۶۳ برای تخلف از مقررات آن، ۳ ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی تعیین نموده است.

قانونگذار افغانستان در ماده ۵۳ قانون اجراءات جزایی مصوب ۱۳۹۲ به موضوع عدم افشای هویت شهود اشاره کرده است. مقام قضایی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال پرونده در جهت عدم افشای هویت شهود با صدور قرار تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید. قاعده ۶۹ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی به دادستان اجازه داده است که در شرایطی استثنایی از رئیس دادگاه درخواست کند که دستور عدم افشای هویت بزه‌دیده

یا شاهد را بدهد. چنین درخواستی باید مستند به وجود یا احتمال خطر برای بزه‌دیده و شاهد باشد. پذیرش چنین درخواستی موجب می‌گردد که بزه‌دیده و شاهد جرم، از این نظر تحت حمایت دادگاه قرار گیرند. تدابیر و اقدامات مختلفی در جهت عدم افشای هویت شاهد مورد توجه سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها و اسناد بین‌الملل قرار گرفته است.

أ) دادرسی غیر علنی

یکی از اقدام لازم در جهت عدم افشای هویت شاهد «غیر علنی بودن رسیدگی» است که تضمین‌کننده عدم دسترسی و اطلاع متهم نسبت به هویت شاهد است. طبق ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲) تحقیق از شهود قبل از رسیدگی در دادگاه غیرعلنی است. باز پرس بدون حضور متهم از شهود تحقیق می‌نماید. این امر موجب می‌شود هویت شاهد در مرحله تحقیقات مقدماتی افشاء نگردد. در مرحله رسیدگی در دادگاه نمی‌توان غیرعلنی کردن دادرسی را یکی از طرق جلوگیری از افشاء هویت شهود دانست، زیرا ماده ۳۵۲ ق. آ. ک. بعد از اشاره به اصل علنی بودن رسیدگی در دادگاه، در بند «ب» در مقام بیان استثناء وارد بر این اصل چنین مقرر نموده است: «علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.» با توجه به اینکه اخلال در امنیت شاهد یا حتی شهود، عرفاً نمی‌تواند جنبه عمومی داشته باشد و مصداق امنیت عمومی در نظر گرفته شود، برای جلوگیری از افشای هویت شهود، نمی‌توان بر استثناء مقرر در بند «ب» ماده ۳۵۲ ق. آ. ک. استناد کرد.

در فقره دوم ماده ۲۷ قانون اجراءات جزای افغانستان (مصوب ۱۳۹۲) آمده است:

اگر ادای شهادت موجب اهانت شاهد گردیده یا ضرری را به او و یا اقارب وی متوجه سازد، می‌تواند ادای شهادت را به صورت سری از محکمه مطالبه نماید. این اقدام می‌تواند مانع از افشاء هویت شاهد گردد.

رسیدگی غیرعلنی جهت جلوگیری از افشای هویت شهود مورد توجه اسناد بین‌المللی نیز قرار گرفته است. اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق به حفاظت از شهود در مرحله تحقیق و بعد از آن توجه کرده است. ماده ۲۲ اساسنامه ضمن اینکه این دادگاه بین‌المللی را مکلف به در نظر گرفتن تدابیر مربوط به محافظت از شهود مندرج

در مقررات آیین دادرسی و ادله نموده، انجام رسیدگی غیرعلنی را مصداقی از تدابیر حفاظتی شهود دانسته است.

آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند ۳ ماده ۸۷ برگزاری جلسه غیرعلنی را به منظور جلوگیری از آشکار ساختن هویت یا مکان شاهد از طریق انتشار عمومی یا از طریق بنگاهای مطبوعاتی یا اطلاع رسانی که به علت ادای شهادت در خطر است پیش‌بینی نموده است.

ب) جلوگیری از مواجهه متهم با شاهد

از جمله تدابیری که در راستای عدم افشای هویت شاهد و در نتیجه تأمین امنیت جسمانی شهود، می‌توان اتخاذ نمود عدم مواجهه شهود با متهم است. قانونگذار ایران در بند «الف» ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به عدم مواجهه شهود با شاکی یا متهم اشاره کرده است. هرگاه به عقیده مقام قضایی بیم خطر جانی، یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، از طرفی استماع اظهارات آنان ضروری باشد، مقام قضایی می‌تواند به منظور حمایت از شاهد با ذکر علت، عدم مواجهه حضوری بین شاهد با شاکی یا متهم را اتخاذ نماید.

مقصود از مواجهه حضوری در بند «الف» ماده ۲۱۴ اعم از مواجهه فزیک و مواجهه از طریق وسایل ارتباط از راه دور است که منجر به افشای هویت شاهد می‌شود. (آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، تبصره ماده ۳) این امر اختصاص به مرحله دادرسی ندارد، بلکه در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی) البته عدم مواجهه حضوری فقط نسبت به شخصی است که از جانب وی بیم خطر وجود دارد، اما نسبت به سایر افراد که بیم خطر وجود ندارد مواجهه حضوری مجاز است، مگر اینکه حضور سایر افراد دیگر موجب افشاء هویت شاهد شود که در این صورت از مواجهه حضوری آنها نیز ممانعت به عمل می‌آید. (تبصره ۶ آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان)

در قانون اجرائات جزایی افغانستان در فقره سوم ماده ۵۳ به عدم مواجهه شاهد با متهم اشاره شده است. این امکان در بند (ب) قاعده ۷۵ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی نیز مورد توجه قرار گرفته است. رئیس دادگاه می‌تواند دادرسی را بدون مواجهه حضوری بین متهم با شاهد یا بزه‌دیده و با استفاده از دوربین به جریان اندازد.

ج) استفاده از کد، اسم مستعار و تغییر هویت شاهد

اگر مقامات قضایی و مسئولین تمام تلاش خود را در جهت دادرسی غیر علنی و عدم مواجهه متهم با شاهد به کار گیرند، در صورتی که اطلاعات هویتی شهود افشاء شود، دادرسی غیر علنی و عدم رویارویی متهم با شاهد بی فایده خواهد بود. بنابراین یکی از اقدامات لازم در جهت عدم افشای هویت شهود استفاده از اسامی مستعار، تغییر هویت یا عدم درج مشخصات هویتی در پرونده و یا جلوگیری از دسترسی افراد به پرونده است. به همین منظور ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ مقرر می دارد:

مقام قضایی پس از تشخیص و اتخاذ تصمیم، به عدم افشای اطلاعات، مشخصات واقعی شاهد یا مطلع را بدون ثبت در پرونده، به واحد مقرر در ماده ۲ این آیین نامه اعلام نموده و برگه با کد مخصوص دریافت می دارد که در تمام اوراق بازجویی و صورت جلسات، این مشخصات ذکر خواهد شد. احضار چنین شاهدی و مطلعی با دستور مقام قضایی صرفاً از سوی واحد مذکور و از طریق ضابطانی که برای این امر اختصاص خواهد یافت صورت می گیرد. (شاکری، رضایی، ۱۳۹۴: ۸۱)

قانونگذار افغانستان در ماده ۵۳ قانون اجراءات جزایی (مصوب ۱۳۹۲) به تدبیر استفاده از اسم مستعار برای شاهد در مواردی که مقام قضایی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال پرونده در جهت عدم افشای هویت شهود با صدور قرار به یک یا چند مورد از تدابیر محافظتی چون اخفای نام، آدرس، محل وظیفه، شغل یا هرگونه معلومات، اسناد رسمی، دفتر ثبت و دوسیه که زمینه تشخیص هویت شاهد را فراهم نماید، اشاره کرده است. ممنوع قرار دادن وکیل مدافع و مساعد حقوقی مظنون یا متهم از افشای هویت شاهد یا موارد و معلوماتی که ممکن است هویت شاهد را تشخیص نماید نیز از همین موارد است. همچنین عدم افشای هرگونه سوابق و اسنادی که منجر به تشخیص هویت شاهد گردد، و یا تعیین نام مستعار برای شاهد از دیگر مواردی است که در این قانون به آن اشاره شده است.

قاعده ۷۵ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی به اقدامهایی که رئیس دادگاه می تواند برای حفاظت از بزه دیدگان و شهود به کار بندد، اختصاص دارد. بند (الف) این قاعده به قاضی اختیار داده است که «رأساً یا با تقاضای یک طرف یا بزه دیده یا شهود

یا واحد بزه‌دیدگان و شهود، دستور دهد اقدام‌های مناسب برای محرمانه ماندن اطلاعات و جریان محاکمه و همچنین حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود» را به کار گیرد.

دادگاه بدین منظور می‌تواند دستور دهد که اطلاعات مربوط به هویت شهود و بزه‌دیده، ثبت نگردد یا از فهرستی که عموم به آن دسترسی دارند، حذف شود. در بند ۳ ماده ۸۷ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی به اقداماتی از قبیل پاک کردن نام شاهد یا هر اطلاعاتی که منجر به کشف هویت می‌شود از بایگانی عمومی شعبه، دستور داستان مبنی بر منع وکیل مدافع یا هر شخص شرکت کننده دیگر از افشای هویت شاهد، انتخاب اسم مستعار برای شاهد در فرایند رسیدگی در جهت جلوگیری از افشای هویت شاهد ذکر شده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد معروف به کنوانسیون مریلا/ نیز در بند ۲ ماده ۳۲ در جهت حمایت از شهود به جابه‌جایی شهود و در صورت اقتضا عدم افشای یا محدودیت افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل سکونت آن‌ها اشاره نموده است.

د) ادای شهادت از طریق تلویزیون مدار بسته و وسایل الکترونیکی

در مواردی که شناسایی شاهد از سوی متهم و دوستان وی، خطراتی را متوجه شاهد و اعضای خانواده او نماید، می‌توان ادای شهادت را از طریق تلویزیون مدار بسته و سایر وسایل الکترونیکی در جهت عدم شناسایی شاهد انجام داد. به همین جهت قانونگذار ایران در بند «پ» ماده ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) به استماع اظهارات شاهد در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور اشاره کرده است. قانونگذار افغانستان نیز در فقره (۳) ماده ۵۳ ادای شهادت از پشت پرده غیر شفاف، از طریق دستگاه فنی تغییردهنده تصویر و صدا و پخش استجواب از مکان دیگر از طریق تلویزیون مدار بسته را پیش‌بینی نموده است.

راهبرد ادای شهادت از طریق عکس یا صدای جایگزین یا تلویزیون مدار بسته در بخش دوم پاراگراف یک بند (ب) قاعده ۷۵ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی مورد توجه گرفته است. در این حالت می‌توان به جای تصویر شاهد که در دادگاه حضور ندارد، تصویر شخص دیگری (اعم از موجود یا موهوم) به کار گرفته شود یا صدای شخص دیگری را جایگزین آن کرد. در بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفر بین‌المللی به منظور

پشگیری از شناسایی شاهد از سوی متهم و یا دوستان وی، ارائه ادله از رهگذر وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ویژه تجویز شده است.

شعبه‌ای که در حال رسیدگی به پرونده است، می‌تواند دستوری مبنی بر ارائه گواهی به وسیله دستگاه‌های الکترونیکی یا سایر ابزارهای ویژه مانند استفاده از ابزارهای فنی که جایگزینی تصویر یا صدا را امکان پذیر می‌کند و همچنین استفاده از فناوری صوتی، تصویری به ویژه ویدئو کنفرانس، تلویزیون مدار بسته و استفاده‌ای انحصاری از رسانه صوتی صادر کند.

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد معروف به کنوانسیون مریدا نیز در بند ۲ ماده ۳۲ در جهت حمایت از شهود به فراهم آوردن امکان ادای شهادت از طریق استفاده از فناوری ارتباطات مانند ویدئو وسایل مناسب را پیشنهاد نموده است تا سلامت و امنیت شهود تضمین گردد.

هـ) جرم‌انگاری افشای هویت شهود

اتخاذ تدابیر حمایتی در قوانین ماهوی کشورها یکی از شیوه‌هایی است که به منظور تأمین امنیت شهود مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین جنبه حمایت از شهود در قوانین ماهوی را می‌توان در قالب جرم‌انگاری اعمال لطمه‌زننده به تمامیت جسمانی یا معنوی شهود ملاحظه کرد.

تأمین امنیت شهود به عنوان یک ارزش مورد پذیرش در فرایند دادرسی، ایجاب می‌کند که هرگونه اقدام در راستای نقض این ارزش، خواه از طریق تهدید یا توهین یا افشای هویت شاهد مورد مجازات قرار گیرد. شناخت هویت شهود، در برخی جرائم ممکن است، تمامیت جسمانی شهود را در معرض مخاطره قرار دهد. در این صورت باید به شاهد اجازه داده شود بدون اینکه، هویت او برای همه آشکار شود، به ادای شهادت بپردازد و اگر با این اقدام موافقت گردید، هویت شاهد به صورت محرمانه باقی می‌ماند و در صورت افشای آن، مرتکب مجازات خواهد شد. در غیر این صورت، امنیت شهود تضمین نگردیده و شهود از ادای شهادت خود داری می‌ورزند.

در قانون کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، عدم افشای هویت شاهد پیش‌بینی گردیده است، اما در صورت افشای هویت، افشا کننده با هیچ گونه ضمانت اجرای کیفری روبه رو نمی‌شود. به عبارت دیگر، افشای هویت یا اقامتگاه شاهد جرم‌انگاری نشده

است. (باقری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۸۹) این در حالی است که جرم‌انگاری این عمل به منظور حمایت از شهود ضرورت دارد؛ در غیر این صورت پیش‌بینی این اقدام حمایتی بدون داشتن ضمانت اجرا بی‌فایده خواهد بود. به همین علت است که قانونگذار افغانستان در ماده ۴۶۲ کود جزا مصوب ۱۳۹۵ به جرم‌انگاری افشای هویت شاهد پرداخته و مقرر می‌دارد:

شخصی که هویت شاهد یا اطلاع دهنده یا ارائه کننده مدارک یا معلومات در مورد جرایم را به خلاف رضایت آن‌ها یا بدون اجازه محکمه افشاء نماید، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

منع افشای هویت شاهد مطلق بوده و هویت شاهد نباید برای هیچ شخصی اعم از شاکی یا متهم یا وکیل آن‌ها یا سایر افراد افشاء شود. با توجه به این ماده، افشای هویت شاهد با مجازات حبس روبه‌رو می‌گردد و این امر باعث می‌شود تا حمایت از شاهد به بهترین نحو انجام شود.

۳. حقوق دفاعی متهم

منظور از حقوق دفاعی متهم، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که متهم در یک دادرسی عادلانه از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که خلاف فرض براءت علیه او مطرح شده است در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع نماید. به کارگیری حقوق دفاعی متهم از این جهت اهمیت دارد که تضمین کننده تساوی سلاح است. اصل تساوی سلاح بدین معنی است که در یک فرایند کیفری با هر دو طرف به نحوی برخورد شود که موقعیت مساوی هر دو از لحاظ دادرسی تضمین شود. در غیر این صورت فرایند دادرسی از حالت عادلانه خارج خواهد شد. (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۹)

أ) حق پرسش متهم از شهود

حق پرسش متهم از شهود از جمله حقوقی دفاعی متهم است که در ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲) به آن اشاره شده است. در بند ۶ ماده ۷، بند ۱ ماده ۳۵ و ماده ۲۱۸ قانون اجراءات جزایی افغانستان (مصوب ۱۳۹۲) سؤال و استجواب از شهودی که علیه متهم شهادت دهد حق متهم شمرده شده است.

در بند «ه» ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، بند «ه» ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا و بند «ه» ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۵۲) به مواجهه متهم با شهود و پرسش از شهود تصریح شده است که این امر می‌تواند موجب کشف بهتر حقیقت شده و از انحراف شهود در بیان حقایق جلوگیری نماید، زیرا مواجهه و پرسش از شهود بهترین روش جهت کشف صحت و سقم اظهارات شهود است. متهم می‌تواند با مطرح کردن سوء پیشینه کیفری شاهد و دیگر موضوعات مرتبط، همانند مصونیت، شهادتی را که به وسیله شهود در دادگاه ارائه شده است به چالش بکشد.

ب) حق جرح شهود

حق جرح شهود در حقوق ایران در ماده ۱۹۲ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام نماید. در قانون اجرائات جزایی افغانستان در بند ۱۹ ماده ۷ به حق جرح شهود اشاره شده است. منظور از جرح شاهد، ذکر اموری است که شهادت او را بی‌اثر گرداند. درجه قرابت سببی یا نسبی، خادم و مخدوم بودن نسبت به احد طرفین، سابقه کیفری، سابقه فسق که توبه کردن او معلوم نباشد، می‌تواند از موارد جرح شاهد باشد. (فهیمی، ۱۳۹۳: ۱۱۴)

۴. چالش حقوق دفاعی متهم و عدم افشای هویت شاهد

آگاهی از موضوع علل اتهام از مهم‌ترین تضمینات حقوقی دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی کیفری به شمار می‌رود. منظور از علل اتهام، آن دسته از داده‌های عینی است که مبنای ایراد اتهام قرار گرفته‌اند. بدین جهت در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲) مقرر شده است که متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

طبق ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی ایران، متهم اجازه دارد که برای ایجاد دفاع مناسب از محتویات پرونده اطلاع حاصل نماید، مگر اینکه دسترسی به تمام یا برخی از اوراق و اسناد پرونده به اعتقاد بازپرس منافی با کشف حقیقت باشد یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی باشد که در این صورت بازپرس باید قرار عدم دسترسی به آن اسناد و مدارک را صادر نماید و قرار باید به متهم یا وکیل وی ابلاغ شود.

در ماده ۷۶ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی نیز آمده است دادستان اسامی شهودی که قصد دارد آن‌ها را برای ادای شهادت فراخواند و رونوشتی از اظهارات پیشین آنان را به وکیل مدافع ارائه می‌نماید. این عمل باید به گونه‌ای باشد که از قبل آمادگی مناسبی برای دفاع را میسر سازد.

از سوی دیگر بیشتر شاهدان، به این شرط حاضر به همکاری با نظام عدالت کیفری می‌شوند که هویت آنان افشا نشود، چون بیم آن را دارند که با افشای هویتشان خود و بستگانش در معرض خطر قرار گیرند. بر این اساس تدابیر اتخاذ شده در جهت عدم افشای هویت شاهد می‌تواند گامی در جهت نقض حقوق دفاعی متهم از جمله روبه‌رو شدن با شهود و حق پرسش از آنان و حق جرح شهود باشد، زیرا از یک سو شهادت بی نام و یا محروم نمودن متهم از رویارویی با شهود و عدم امکان طرح پرسش از آنان، محدودیت مهمی برای حق دفاع ایجاد نموده و به حق متهم در تدارک دفاع مؤثر از خود لطمه می‌رساند. (رتوفیان و محمدی، ۱۳۸۹: ۹۳)

از سوی دیگر مخفی بودن هویت شاهد حق جرح متهم به شاهد را مخدوش می‌سازد زیرا صرف اظهارات شاهد مبنی بر اینکه هیچ گونه رابطه خویشاوندی با طرفین ندارد، کافی نیست. احتمال دارد که متهم توانایی خدشه بر شرایط شاهد را داشته باشد، اما با مخفی ماندن هویت وی، این حق از او سلب می‌شود؛ حتی این امکان وجود دارد که شاهد در صحنه حادثه تحت بررسی حضور نداشته، اما برای انحراف دادرسی برای ادای شهادت حاضر شده باشد. با مخفی ماندن هویت شاهد، متهم امکان تعرض و ایراد را از دست خواهد داد. (همان: ۱۰۲)

۵. بررسی چالش عدم افشای هویت شاهد و حقوق دفاعی متهم

بررسی تدابیر اتخاذ شده در جهت عدم افشای هویت شاهد و حقوقی دفاعی متهم در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین‌الملل نشان می‌دهد، قانونگذاران به دنبال حفظ تعادل و توازن میان حقوق حمایت از شاهد و حقوق دفاعی متهم هستند، زیرا از یک سو بر تدابیر لازم در جهت عدم افشای هویت شاهد تأکید دارند و از سوی دیگر تصریح دارند که تدابیر اتخاذ شده به نحوی صورت پذیرد که لطمه‌ای به حقوق دفاعی متهم وارد نسازد. بدین جهت در تبصره ۲ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب

۱۳۹۲) آمده است: «ترتیبات و اقدامات حمایت از شاهد باید به نحوی صورت پذیرد که منافای حقوق دفاعی متهم نباشد».

در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان (مصوب ۱۳۹۴) تصریح شده است متهم باید از اظهارات اعلام شده توسط شاهد آگاه شود تا امکان دفاع به متهم در برابر اظهارات شاهد داده شود، زیرا آنچه در راستای حق پرسش متهم اهمیت دارد آگاهی متهم از اظهارات شاهد است و این امر مستلزم رسیدگی علنی و مواجهه حضوری با شاهد و شنیدن مستقیم سخنان وی نیست، بلکه متهم می‌تواند از طریق واسطه مثل قاضی، وکیل مدافع و یا هر شخص موثق دیگر در سیستم رسیدگی و قرائت شهادت نامه، از مفاد اظهارات شاهد مطلع شده و به طرح سؤالات بپردازد.

بر این اساس در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعین آمده است عدم مواجهه حضوری خدش‌های به حق سؤال از مطلع یا شاهد وارد نمی‌آورد و طرفین دعوی یا وکلای آن‌ها می‌توانند سؤالات خود را از شاهد به اطلاع مقام قضایی رسانده و او پاسخ این پرسش‌ها را از شاهد مطالبه و منعکس نمایند یا از طریق قرائت شهادت‌نامه برای متهم و طرح سؤالات وی از شاهد در جلسه‌ای که متهم حضور ندارد یا ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس و یا از پشت پرده، حق پرسش متهم از شاهد را به خوبی حفظ نمود. (مؤذن‌زادگان و رثوفیان نائینی، ۱۳۹۰: ۲۰۳)

ماده ۷۶ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی تصریح دارد اسامی شهود و اظهارات آنان در جهت آمادگی دفاع مناسب در اختیار متهم و وکیل مدافع آن قرار می‌گیرد، اما این امر طبق بند ۴ ماده ۷۴ تابع حمایت از اطلاعات محرمانه مقرر در مواد ۸۱ و ۸۲ آیین دادرسی ادله می‌باشد.

در بند ۵ ماده ۳۲ کنواسیون مریدا به تعارض تدابیر حمایت از شهود و حقوق دفاعی متهم اشاره شده و برای حل این تعارض سفارش شده است که تدابیر حمایتی شهود به گونه‌ای اجرای شود که به حق دفاعی متهم لطمه وارد نیابد.

نسبت به حق جرح متهم نسبت به شاهد هرچند برخی از حقوق‌دانان با استناد به قاعده ضرورت و احقاق حق در جامعه مسلمین به عنوان یک مصلحت کلی، در تعارض با حق حمایت از شاهد به سقوط حق جرح شاهد حکم کرده‌اند (رثوفیان و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷) ولی می‌توان گفت در موارد پنهان بودن هویت شاهد، می‌توان دادرس را ملزم کرد که به صورت ویژه و موشکافانه به بررسی شرایط شاهد پرداخته و نسبت به

وجود شرایط لازم در وی یقین حاصل کند. بدین صورت دیگر نیاز به جرح شاهد توسط متهم نبوده و این حق تا حدود قابل توجهی مورد عنایت قرار می‌گیرد. بر این اساس قانونگذار ایران در ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعین آورده است: «در مواردی که شهادت بدون افشای اطلاعات شاهد صورت می‌گیرد، مقام قضایی مکلف است، تمام شرایط قانونی لازم برای ادای شهادت را در این مورد نیز احراز نماید».

نتیجه‌گیری

«شاهد» یکی از کنشگران اصلی نظام دادرسی کیفری به شمار می‌رود که نقش برجسته‌ای در سرنوشت دعاوی کیفری بر عهده دارد. مشارکت و حضور شاهد در فرایند کیفری بهترین فرصت را برای گروه‌های بزهکار فراهم می‌نماید که با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی، مانع ارائه اظهاراتش شوند یا با آسیب رساندن به تمامیت جسمانی او در مقام انتقام از وی برآیند. از این رو در سیاستگذاری کیفری، ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی تدابیر و اقدامات مختلفی مانند دادرسی غیر علنی، عدم مواجهه شاهد با متهم، ادای شهادت از طریق تلویزیون مداربسته، وسایل الکترونیکی و استفاده از کد و نام مستعار برای شاهد و جرم‌انگاری افشای هویت شاهد در جهت ایجاد بستر مناسب برای حضور و مشارکت شهود در فرایند کیفری و جلوگیری از آسیب رساندن و صدمه به آنان اتخاذ شده است.

اتخاذ این تدابیر ممکن است گامی در جهت نقض حقوق دفاعی متهم از جمله روبه رو شدن با شهود و حق پرسش از آنان و حق جرح شهود تلقی شود، زیرا از یک سو شهادت بی‌نام و یا محروم نمودن متهم از رویارویی با شهود و عدم امکان طرح پرسش از آنان، محدودیت مهمی به حق متهم در تدارک دفاع موثر ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر مخفی بودن هویت شاهد حق جرح متهم به شاهد را مخدوش می‌سازد، زیرا احتمال دارد که متهم توانایی خدشه بر شرایط شاهد را داشته باشد که این امکان با مخفی ماندن هویت شاهد از متهم سلب می‌شود.

بررسی تدابیر اتخاذ شده در جهت عدم افشای هویت شاهد و حقوق دفاعی متهم در قوانین ایران افغانستان و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد، قانونگذاران به دنبال حفظ تعادل و توازن میان حقوق حمایت از شاهد و حقوق دفاعی متهم هستند، زیرا از یک سو بر تدابیر یاد شده در جهت ایجاد بستر مناسب برای حضور و مشارکت شهود در فرایند

کیفری و جلوگیری از آسیب رساندن و صدمه به آنان تأکید دارند. از سوی دیگر تصریح دارند متهم می‌تواند از طریق واسطه مثل قاضی، وکیل مدافع و یا هر شخص موثق دیگر در سیستم رسیدگی و قرائت شهادت‌نامه یا ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس، تلویزیون مدار بسته و یا از پشت پرده از مفاد اظهارات شاهد مطلع شده و به طرح سوالات بپردازد. به این صورت لطمه‌ای به حقوق دفاعی متهم وارد نمی‌شود و برابری سلاح تضمین می‌گردد. نسبت به تضمین حق جرح شاهد، مقام قضایی ملزم است تحقیقات کاملی را در خصوص شاهد مبنی بر اینکه شرایط قانونی لازم برای ادای شهادت را احراز نماید، انجام دهد.

منابع و مأخذ:

قرآن

- باقری نژاد، زینب (۱۳۸۸)، «رویکرد حمایتی به شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه» مجله حقوقی دادگستری، س ۷۳، ش ۶۷، ص ۸۹-۱۱۴.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸)، «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری» تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات) زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- رئوفیان محمدی، حمید و ابوالفضل حسن‌زاده (۱۳۸۹)، «حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم»، مجله حقوقی دادگستری، س ۷۴، ش ۷۱، ص ۹۳-۱۰۹.
- شاکری، ابوالحسن و رضا رضایی (۱۳۹۴) ف «سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت از شاهد»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۰، ص ۸۱-۱۰۳.
- طائی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۳)، *ادله اثبات دعاوی حقوقی و کیفری*، ج ۱، تهران: انتشارات خرسند.
- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۹۴)، «*تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲*»، پژوهشنامه حقوق کیفری، س ۶، ش ۲، ص ۱۵۳-۱۲۹.
- کوشکی، غلامحسین و زهرا امینی (۱۳۹۶)، «*بررسی تطبیقی حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و منشور شهود انگلستان*» پژوهش حقوق کیفری، س ۶، ش ۲۱، ص ۱۵۶-۱۱۵.
- مختاری، رحیم (۱۳۹۲)، *ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوی*، ج ۱، تهران: انتشارات مجد.
- مشیر، مهشید (۱۳۶۹) *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: انتشارات سروش.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و حمید رئوفیان نائینی (۱۳۹۰)، «*حمایت از امنیت شهود در فرایند دادرسی کیفری*» فصلنامه دیدگاه حقوقی قضایی، ش ۵۶، ص ۲۲۶-۲۰۳.

قوانین و اسناد بین‌المللی

- قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)
- قانون آیین دادرسی کیفری ایران (مصوب ۱۳۹۲)
- آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعین (مصوب ۱۳۹۴)
- منشور حقوق شهروندی (آذرماه ۱۳۹۵)
- کد جزای افغانستان (مصوب ۱۳۹۵)
- قانون اجرائات جزایی افغانستان (مصوب ۱۳۹۲)
- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ م)
- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
- آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری
- اساسنامه دادگاه یوگسلاوی
- آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی
- اساسنامه دادگاه رواندا